

درباره چرایی بی طرفی علمی و پرهیز از سوگیری و دفاع متعصبانه از یک دیدگاه خاص

نقد در مظان سوگیری

سیدمجید نبوی یکی از اصول اخلاقی در نگارش کتاب، بی طرفی علمی و پرهیز از سوگیری و دفاع متعصبانه از یک دیدگاه خاص است. ناقد در اینجا دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا کتاب به‌عنوان یک منبع علمی، بی‌طرف عمل کرده و نقدها و ادعاها را بر اساس شواهد علمی ارائه داده است یا اینکه نویسنده دارای سوگیری است و از دیدگاهی خاص، متعصبانه دفاع و سعی می‌کند دیگر دیدگاه‌ها و نظریات را نادیده بگیرد. درباره بی طرفی یا طرف‌داری نویسنده از یک دیدگاه یا شخص، باید به موارد زیر توجه شود:

استفاده از منابع متنوع: نویسنده باید منابع معتبر و متناسب با موضوع و منابعی را که دیدگاه‌های مختلف و متنوع را پوشش داده‌اند، استفاده کند و نباید تماما به منابعی با دیدگاه مشابه خود اکتفا کند.

ادعاها و تحلیل‌ها بر اساس مدارک معتبر: نویسنده باید ادعاها و تحلیل‌هایش را به‌دقت و باتوجه‌به شواهد علمی ارائه دهد و به دلایل منطقی و علمی استناد کند.

نقدها و دفاع‌ها با هدف بهبود و تعمیق دانش: نویسنده کتاب باید از نقدها به‌عنوان فرصتی برای بهبود و تعمیق دانش استفاده کند و نباید با حالت سوگیرانه، سعی کند همه نظرات را رد کند تا از یک نظریه خاص به‌شکلی متعصبانه دفاع کند.

نقد کتاب از لحاظ بی طرفی علمی یا دفاع متعصبانه از یک دیدگاه خاص به خواننده کمک می‌کند بفهمد آیا کتاب به‌عنوان یک منبع علمی، بی‌طرف عمل کرده و باتوجه‌به دیدگاه‌ها و نظریات مختلف، مطالب علمی و جامعی را ارائه کرده است یا نه. اگر کتاب به دفاع متعصبانه از یک دیدگاه خاص پرداخته باشد، ممکن است تأثیرگذاری و اعتبار علمی آن کم شود و مردم و پژوهشگران کمتر به آن توجه کنند.

تشخیص سوگیری یک اثر هم امری مهم است. با پرسیدن سؤالات زیر، بی طرفی علمی یک اثر یا سوگیری آن به‌وضوح مشخص می‌شود:

- آیا نویسنده به‌شکلی متصفانه به بررسی دیدگاه‌ها و نظریات مختلف پرداخته است؟
- آیا استدلال‌ها و شواهد ارائه‌شده بی طرفانه و بدون سوگیری است یا اینکه نویسنده طرف‌دار یک نظر خاص است؟
- آیا نویسنده با ذهن باز به بررسی موضوع پرداخته و از پیش‌داوری و جانب‌داری اجتناب کرده است؟
- آیا دیدگاه‌های مخالف، به‌درستی و با دقت بررسی و نقدشده‌اند؟
- آیا صرفا به تأیید یک نظریه یا مکتب فکری پرداخته و نظرات دیگر را نادیده گرفته است؟
- آیا زبان و لحن نوشتار حاکی از تعصب یا جانب‌داری از یک دیدگاه خاص است؟

پس از مشخص شدن چستی و نحوه سوگیری علمی، ضرورت دارد که دلایل سوگیری بررسی شود.

دلایل بی طرف‌نبودن علمی یا سوگیری: بی طرف‌نبودن علمی در یک کتاب می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. یکی از دلایل مهم این امر، تعصب نویسنده کتاب است. نویسنده کتاب ممکن است به‌شکل عمد یا غیر عمد، به دلیل اعتقادات یا باورهای شخصی‌اش، از یک دیدگاه خاص دفاع کند. دلیل دیگر بی طرف‌نبودن علمی در یک کتاب، ناآگاهی کافی و جامع نویسنده کتاب از موضوع مدنظر است. نویسنده کتاب ممکن است به دلیل ناآشنایی با موضوع مدنظر یا دسترسی نداشتن به منابع معتبر، به‌صورت کامل و جامع به موضوع نپرداخته باشد. به‌هرحال، بی طرف‌نبودن علمی در یک کتاب، می‌تواند به ارائه اطلاعات نادرست و گمراه کننده منجر شود. بنابراین، مهم است که در نقد یک کتاب، به این موضوع توجه و همچنین، اگر در نقد یک کتاب، به نشانه‌های تعصب و سوگیری علمی برخورد کردید، می‌توانید نتیجه‌بگیرید که کتاب موردنقد، از نظر علمی بی طرف نیست. در این صورت، باید از پذیرش اطلاعات ارائه‌شده در کتاب خودداری کنید.

آغاز مرمت نسخه تاریخی انجیل با زبان آلمانی قدیم



مهرابخش امور فکری و فرهنگی آستان مقدس عباسی، مرمت یک نسخه تاریخی انجیل را که به زبان آلمانی قدیم نوشته شده، آغاز کرده است.

این نسخه انجیل در سال ۱۵۴۲ میلادی چاپ شده است و مرکز حفظ و نگهداری میراث خطی و آرشیو اسناد «الفضل» وابسته به بخش امور فکری و فرهنگی آستان عباسی بر روند مرمت این نسخه قدیمی نظارت دارد.

سیدلیث لطفی، مدیر مرکز الفضل، در این باره گفت: کادر متخصص ما مرمت یکی از نسخه‌های گران‌بها و کمیاب را که در گنجینه نسخه خطی آستان عباسی نگهداری می‌شود، آغاز کرده است.

وی افزود: این انجیل به زبان آلمانی قدیم نوشته شده و در سال ۱۵۴۲ میلادی روی کاغذ طبیعی چاپ شده است، اما در معرض خوردگی ناشی از برخی حشرات و کپک‌ها قرار دارد. مدیر مرکز الفضل تصریح کرد: این مرکز مرحله نخست عملیات مرمت این نسخه قدیمی را با بررسی بیولوژیکی و شیمیایی، عکس‌برداری، پاک‌سازی و حذف برج‌چسب‌ها و گردوغبار چسبیده به آن آغاز کرده است.

وی در ادامه با بیان اینکه مرمت این کتاب با استفاده از یکی از روش‌های تأییدشده و به‌روز انجام می‌شود، اظهار کرد: مرکز حفظ و نگهداری میراث خطی و آرشیو اسناد الفضل توجه زیادی به این گونه نسخه‌ها دارد. زیرا این نسخه‌ها گران‌بها و کمیاب هستند.

لطفی ادامه داد: این مرکز به مرمت انواع نسخه‌های خطی و اسناد و طبقه‌بندی آن‌ها بر اساس سازوکار مرمتی مناسب می‌پردازد.

گفت‌وگوی شهرآرا با کاترینا مولر، استاد مردم‌شناسی دانشگاه توبینگن آلمان

امام‌رضا(ع) از هویت فردی و جمعی ایرانی‌ها جدانشدنی است



داشت و امکان این وجود نداشت که امام را از او جدا کرد.

برای یک مردم‌شناس بهتر است که یک پدیده را بتواند خوب مشاهده کند. من آنجا یافتم که مشهد چقدر تحت تأثیر مکان حرم است. چقدر معماری آن برای من جذاب بود. من خودم تجربه کردم که چطور این زیارت روی دانشجویایی که در آن سفر زیارتی بودند، تأثیرگذار بود.

پاسخ به این سؤالات در طرح پژوهشی من وجود دارد، اما خیلی متنوع هستند. شاید این برای شما خیلی عادی و روشن است وقتی که یک نفر درباره آن صحبت می‌کند، اما نتایج پژوهشی من نشان داد که امام‌رضا(ع) از هویت فردی و جمعی ایرانی‌ها جدانشدنی است. این در لایه‌های مختلف جامعه ایرانی وجود دارد. بعد از دو سال پژوهش در این زمینه، حالا من آن هلندی را که اصالتی افغانی داشت و کنار من در هواپیما نشست به بود، بهتر می‌شناسم. این شناخت باعث شد من بیشتر به آنجا سفر کنم. دقیقا مانند آن فردی که هر سال به مشهد برای زیارت می‌رفت، من نیز این کار را انجام می‌دهم. برای شناخت بهتر از رفتارهای آن دانشجویایی که خنده و گریه و دیگر احساساتشان را دیدم. یکی از دوستان به من گفت که فاصله بین سفر تحقیقاتی و زیارتی یک خط باریک است. حق با او بود. سفری که جسم آدم در آن به حرکت درمی‌آید، باعث تحرک روح نیز می‌شود و این باعث شده است حرم امام‌رضا(ع) به جایی خاصی تبدیل شود.

یک حس ارتباط نامرئی، اما پرچنده میان حرم و انسان‌هایی که در حریمش گرد می‌آیند، برقرار می‌شود که بدون شک یک مردم‌شناس برای درک آن باید بسیار بکوشد تا بتواند بر چذبه‌های عرفانی و پیوندهای معنوی آن وقوف یابد.

نشان بدهم که این‌طور نیست، بلکه برخلاف نظر آن‌ها، از طریق اعتقاد می‌توان چشمان را شکلی دیگر باز کرد و دید که بودن در این دنیا به چه معنی است و از این طریق چه تنوعی را می‌توان دید. این موضوع را من همیشه در پیش می‌گیرم و سعی می‌کنم به پژوهشگران آلمانی نیز آن را منتقل کنم.

من اشک‌ها، خنده‌ها و تک‌تک احساساتی را که این افراد داشتند، تجربه کرده‌ام، احساساتی که میان دانشجویان مختلف از ملل و زبان‌های مختلف وجود داشت. همین سبب شد من برای فهم این موضوع هدف‌گذاری کنم.

● نتایج حضور شما در مشهد و همچنین پژوهستان چه بود؟

نتایج پژوهشی من نشان داد که امام‌رضا(ع) از هویت فردی و جمعی ایرانی‌ها جداشدنی نیست. این در لایه‌های مختلف جامعه ایرانی وجود دارد. بعد از دو سال پژوهشی در این‌زمینه، حالا این شناخت باعث شد من سفرهای بیشتری را به آنجا انجام دهم. دقیقا مانند افرادی که هر سال به مشهد برای زیارت می‌روند. من نیز این کار را انجام می‌دهم.

ما انسان‌ها برای شناخت همدیگر باید یکدیگر را بهتر بشناسیم. من در آن نگاه و شناخت کوتاه از آن افراد متوجه شدم که عشقی به امام‌رضا(ع) و جایی که برای زیارت آن عازم هستند، دارند. او چشم‌اندازهای متفاوت و جذابی در زندگی خود

امید حسینی‌نژاد

پژوهش‌های اسلام‌شناسانه غربی‌ها در قرن بیستم به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی رشد چشمگیری داشته است. در این سال‌ها پژوهشکده‌های گوناگونی در اروپا و آمریکا به‌طور خاص در زمینه اعتقادات شیعی پژوهش می‌کنند. نتیجه این پژوهش‌ها در قالب کتاب و مقاله در فضای آکادمیک منتشر می‌شود. در این میان، پژوهش‌های فرهنگی با رویکرد مردم‌شناسانه بیشتر مورد توجه برخی اسلام‌شناسان و جامعه‌شناسان غربی قرار دارد. آن‌ها دنبال آن هستند که به عمق اعتقادات مذهبی ایرانیان درباره نمادهای دینی خود پی ببرند. این حجم از اعتقاد راسخ ایرانی به امامان معصوم(ع) و توسل به آن‌ها و ظهور انقلاب بزرگ اسلامی ایران برای این طیف از اسلام‌شناسان جذاب است.

شاید بتوان گفت مهم‌ترین نماد هویتی فرهنگ ایران، وجود حرم‌مطهر امام‌رضا(ع) در مشهد مقدس است. هر سال زائران زیادی به این شهر سفر می‌کنند تا از برکت معنوی این امام همام بهره ببرند. کاترینا مولر، دانش‌آموخته انسان‌شناسی و استاد دانشگاه توبینگن آلمان، از پژوهشگرانی است که در مسیر شناخت هویت دینی ایرانیان و تأثیر حرم‌مطهر امام‌رضا(ع) در هویت‌بخشی به مردم ایران تلاش می‌کند. رساله دکتری کاترینا مولر با عنوان، تأثیرات هویتی و ورزشی زیارت حرم‌مطهر امام‌رضا(ع)، منتشر شده است. نویسنده در آن با بررسی مردم‌شناسانه ایرانیان معتقد و زائران حرم آستان قدس رضوی در یک‌سال اقامت در شهر مشهد، تلاش می‌کند به رابطه و تأثیر امام‌رضا(ع) بر فرهنگ ذاتی جامعه ایران توجهی جدید نشان دهد. در نگاه این نویسنده و پژوهشگر، ایرانیان بدون امام‌رضا(ع) معنا ندارند و تأثیر فرهنگی آن حضرت و مشهد مقدس که در آستانه معرفی به‌عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام است، از ویژگی‌های مهم مردم‌شناسانه برای درک هویت ایرانی معاصر است. در این گفت‌وگو با کاترینا مولر به دنبال آن هستیم که با زوایای بیشتری از این پژوهش آشنا شویم.

● خانم مولر! شما سال‌هاست در حوزه شناخت هویت دینی مردم ایران پژوهش می‌کنید. علاقه شما برای ورود به این عرصه پژوهشی چگونه شکل گرفت؟

در دانشگاه سال ۲۰۱۳ یک طرح پژوهشی بود به‌نام سرچشمه‌های فرهنگ که از طرف مؤسسه جامعه تحقیقاتی آلمان پشتیبانی می‌شد. ما درباره سرچشمه‌ها و منابع فرهنگی از دید فرهنگ پژوهش می‌کردیم. برای ما این منابع و سرچشمه‌ها نه تنها مادی هستند، بلکه معنوی نیز هستند. بنابراین، دین نیز جزو منابع معنوی فرهنگ در جامعه محسوب می‌شود. یک منبع زمانی به‌عنوان منبعی در نظر گرفته می‌شود که پیوسته بر انسان تأثیر داشته باشد. از این نظر، حرم امام‌رضا(ع) یک منبع مهم دینی است. من در سال ۲۰۱۳ پس از تمام کردن پایان‌نامه‌ام در کارشناسی ارشد به این طرح پژوهشی دعوت شدم. از همین سال، حرم امام‌رضا(ع) را از دید مردم‌شناسی بررسی می‌کنم. از آن زمان، موفق شدم در این زمینه با دانشگاه فردوسی مشهد همکاری کنم. در دانشگاه فردوسی امکان استفاده از کتابخانه و منابع آن دانشگاه را پیدا کردم. همچنین با آستان قدس رضوی و بخش‌های مختلف آن همکاری می‌کنم. در آنجا به‌صورت مشترک در زمینه کشف مسائل مهم در موضوعات مردم‌شناسی کار می‌کنیم.

● اسلام‌شناسان غربی معمولا با نگاهی متن‌شناسانه به پژوهش درباره عناصر دینی اسلامی می‌پردازند؛ اما نگاه شما در پژوهستان باتوجه‌به رویکرد مردم‌شناسی است. این روش تا چه اندازه به نتایج پژوهشی شما کمک کرد؟

مردم‌شناسی بیش از همه به مسائل مربوط به انسان‌ها می‌پردازد، اینکه انسان امروزه چطور خودش را معرفی می‌کند. ما در مردم‌شناسی دنبال صحبت کردن و مصاحبه با مردم هستیم. در مشهد من از این شانس بسیار برخوردار بودم که با انسان‌های زیادی صحبت کنم. آن‌ها با علاقه زیاد از خاطرات، تجارب و ارتباط خود با امام‌رضا(ع) و زیارت آن صحبت می‌کردند. این روش برای ما مردم‌شناس‌ها خیلی مفید است، زیرا برای ما مردم‌شناس‌ها این خیلی مهم است که بدانیم برای مردم در مشهد و ایران ارتباط با امام‌رضا(ع) چه معنی‌ای دارد. من می‌خواهم نتایج را جمع‌بندی کنم، البته خیلی سخت است که نتایج پژوهش‌های بزرگ را به‌صورت جمع‌بندی در چند کلمه گفت، به‌ویژه در شاخه مردم‌شناسی که باید به‌صورت مشخص بیان کرد که الان چه چیزی در جامعه رخ می‌دهد یا منابع آن چیست. یک جمع‌بندی مهم که از پژوهشگران این پروژه استخراج کردیم، این بود که ما با منابع مختلف فرهنگی در موضوع حرم روبه‌رو هستیم. از این منبع دینی، هویت شکل می‌گیرد، ارزش‌ها شکل



کتاب شناخت

نگارستان اندیشه منتشر کرد

«میراث باز یافته» تلاشی برای شناخت تمدن عصر صفوی

سرگردانی و آشفته‌گی در دوران اسلامی، فقط به یک وحدت سیاسی با تکیه بر مرزهای تاریخی دست نیافت، بلکه با رسمیت یافتن مذهب تشیع حرکتی تازه را در عرصه تحولات فرهنگی و تمدنی آغاز کرد که با تشیّع و فراز، نزدیک به دو نیم قرن ادامه یافت و بدین طریق اساس هویت ملی ایرانی را در عصر جدید شکل بخشید.

نویسنده در این کتاب با نگاهی بنیادی و فرادرسی کوشش کرده است برپایه رویدادهای سیاسی و میراث تاریخی همان دوره مهم‌ترین مسائل فرهنگی آن روزگار را مانند نظام تعلیم و تربیت، علوم دینی و غیردینی، ادبیات، تاریخ‌نگاری، هنر، معماری و آداب و رسوم فرهنگی بررسی کند و از این رهگذر نشان داده است که جنبش فرهنگی شکل گرفته سرشار از تولید احساس‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، واقعیت‌ها و اندیشه‌هایی بود که به همه تجربه‌های آن دوران معنا داد و به اصول و ارزش‌هایی مانند‌گار در تاریخ ایران تبدیل شد.

انتشارات نگارستان اندیشه، کتاب «میراث باز یافته، فرهنگ و تمدن عصر صفویه، به قلم محمد کاظم رحمتی را در ۴۵۶ صفحه به‌بهای ۳۵۰ هزار تومان به چاپ رساند.

جنبه‌های مختلف و متعددی از اوضاع و مسائل فرهنگی و اجتماعی عصر صفویه با وجود منابع بسیار، همچنان در انتظار توجه پژوهشگران است. بر همین اساس و باتوجه‌به چنین مسائلی، کتاب «میراث باز یافته، فرهنگ و تمدن عصر صفویه، به قلم محمد کاظم رحمتی تلاشی است برای پرکردن بخشی از عرصه‌های مغفول مانده پژوهشی در عصر صفوی. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، انتشارات نگارستان اندیشه، کتاب «میراث باز یافته، فرهنگ و تمدن عصر صفویه، به قلم دکتر محمد کاظم رحمتی را به چاپ رساند.

تاریخ تحولات فرهنگی عصر صفویه با وجود شمار مطالعات فراوان، همچنان موضوعی بکر و تازه است.

کتاب در دو بخش کلان سامان یافته است. بخش نخست گزارشی تفصیلی از مطالعات انجام‌شده درباره تحولات فرهنگی عصر صفویه است که می‌تواند چشم‌اندازهای تازه‌ای فراوری خواننده بگشاید. بخش دوم مقالات و یادداشت‌هایی است که با تکیه بر جنبه‌های تازه و کمتر دیده‌شده فرهنگی عصر صفویه، با امید به

گشودن دریچه‌های تازه به این دوره تدوین و تنظیم شده است.

ایران با تشکیل دولت صفویه در سده دهم هجری، پس از سده‌ها



یک حس ارتباط نامرئی، اما پرچذبه میان حرم و انسان‌هایی که در حریمش گرد می‌آیند، برقرار می‌شود که بدون شک یک مردم‌شناس برای درک آن باید بسیار بکوشد تا بتواند بر چذبه‌های عرفانی و پیوندهای معنوی آن وقوف یابد